

زمینه همکاری استراتژیک میان ایران و افغانستان آماده است

سرزمین بسته

بهمن آقارضا

جمله از مقوله امنیت ملی، دارد. چین و هند هم حساسیت وضعیت افغانستان را دریافته و وارد عرصه رقابت در این کشور شده‌اند.

این همه در حالی است که افغانستان به تدریج به آرزوی دیرینه خود یعنی به رسمیت شناخته شدن اهمیت آن کشور به عنوان یک گذرگاه بین‌المللی دست می‌یابد. اهمیت ترانزیتی افغانستان، در نبود زیرساخت‌های کافی در بخش‌های کشاورزی و صنعتی، چنان است که جهانیان نیز اولویت اصلی خود را برای بازسازی و عمران این کشور (جز در امور نظامی و امنیتی) به احداث راه و اتصال سراسری جاده‌های آن کشور با تمامی مرزهای کشورهای همسایه قرار داده‌اند. از همین رو بیشترین رقم کمک‌ها به افغانستان از ابتدای تشکیل دولت موقت در کابل به بخش راه و حمل و نقل اختصاص یافته است. ضمن اینکه همسایگان افغانستان نیز سرمایه اصلی خود را در این بخش متمرکز کرده‌اند. کشورمان در این خصوص سهم در خور توجهی را اختصاص داده که به آن خواهیم پرداخت.

دولت‌سازی و ملت‌سازی:

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، اولین کنفرانس بازسازی و در واقع تمهیدات دولت‌سازی که شامل تعهدات و کمک به تشکیل دولت پایدار با اجزای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و نظامی مناسب در کابل بود، در پنجم دسامبر همان سال در شهر بن در آلمان تشکیل شد.

حدود سه دهه جنگ و ویرانی در افغانستان نه از دولت نام و نشانی باقی گذاشته بود و نه از ملت، نه حکومت و نظم و قانون در شهر و روستا معنا می‌داد و نه زندگی مسالمت‌آمیز اقوام و گروه‌ها و مذاهب در کنار یکدیگر و در یک سرزمین مشترک. در چنین شرایطی بود که لویی جرگه یا اجلاس ریش سفیدان و منتقدین افغانی، نهادی سنتی متشکل از رهبران قبایل و شخصیت‌های مورد احترام مردم با هدف تعیین دولت جدیدی شکل گرفت.

فقیر و نگون بخت که در منطقه‌ای ثروتمند واقع شده است این بار به خاطر منافع و امنیت دیگران نه مورد تخریب، بلکه در خور توجه و اهمیت قرار گرفته است. مزیت منحصر به فرد افغانستان در منطقه که بعد از فروپاشی شوروی و ظهور جمهوری‌های جدید، تقویت نیز شده است، سیل توامان نیروهای نظامی و سرمایه‌گذاری‌های جدید را به سوی این کشور سرازیر کرده است. از همین رو کنترل سرزمین افغانستان چه به لحاظ ملاحظات جدی سیاسی و امنیتی و چه به لحاظ نیازمندی‌های روز غرب برای کنترل منابع طبیعی آسیای میانه، قفقاز و روسیه و چین در دستور کار تصمیم‌سازان آمریکایی و اروپایی قرار دارد. کنترل پاکستان هم از جمله ماموریت‌های نیروهای آمریکایی مستقر در افغانستان است. جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل سوابق دیرینه توجه ویژه‌ای به افغانستان در همه شئون، از

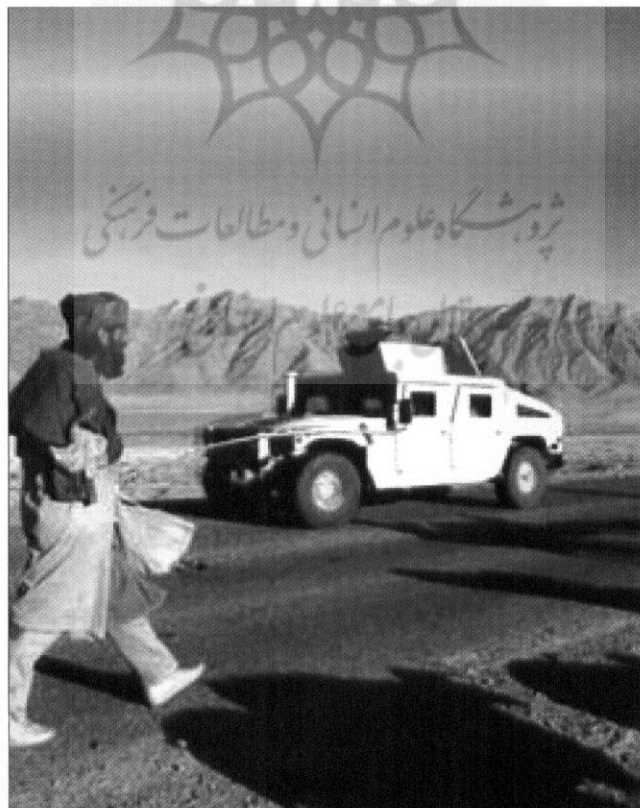
«سرزمین بسته (LAND-LOCKED)»، رایج‌ترین صفتی است که از سوی منابع گوناگون سیاسی و جغرافیای جهان در معرفی افغانستان به کار می‌رود. محصور بودن افغانستان در میان مرزهای خشکی و کوه‌های سر به فلک کشیده هندوکش دلیل این امر است. اما این ویژگی چه سرنوشتی را برای افغانستان رقم زده است؟ سرزمینی که مرزهای خشکی کشورهای دیگر گرداگرد آن را فرا گرفته‌اند، خود را مبعری استراتژیک برای دسترسی آن کشورها به مناطق استراتژیک و اقتصادی دنیا می‌دانند. انگلیسی‌ها برای حفظ هندوستان کنترل افغانستان را همواره حیاتی می‌دانستند. جنگ‌های اول و دوم بین سربازان انگلیسی و هندی در قرن نوزدهم با افغانی‌ها که به شکست امپراطوری بریتانیا انجامید اولین اتفاق مهم تاریخ افغانستان در برابر قدرت‌های جدید محسوب می‌گردد.

اشغال افغانستان توسط قوی‌ترین ارتش وقت دنیا، یعنی ارتش سرخ شوروی، در ۱۹۷۹ برای رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس تداوم آرزویی بود که جانشینان کمونیست پتر کبیر هیچگاه نمی‌توانستند آن را فراموش کنند. این ماجراجویی نیز عاقبتی بهتر از فرجام جنگ‌های قرن نوزدهم نداشت.

اما زمانی که تروریست‌های القاعده و افراطیون طالبان تصمیم گرفتند با حمایت مستقیم پاکستان، افغانستان را وجه المصالحه دستیابی به هدف‌های خود نمایند با واکنش جهانی و سختی روبرو شدند.

افغانستان جدید:

۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی و حادثه سقوط برج‌های دوقلوی نیویورک دنیا را با وضعیت عجیب و هولناکی مواجه کرد. این بار دنیا می‌بایست به خاطر حفظ صلح و ثبات و امنیت جهانی از بی‌تفاوتی نسبت به افغانستان دست بردارد. این کشور را باور کند و واقعیت‌های آن را بپذیرد. افغانستان



اراده مردم افغانستان تأثیرگذار د.

تشکیل دولت پایدار نوید آینده روشنی را نه تنها برای افغانستان، بلکه برای همه منطقه جنوب غربی آسیا و آسیای میانه و قفقاز می دهد. مبارزه با تروریسم، افراطی گرای مذهبی، مواد مخدر و جنایات سازمان یافته جز با ایجاد یک دولت مرکزی قوی و پاسخگو ممکن نیست. دولت مسئولیت پذیر نیز جز با حمایت و پشتیبانی بین المللی و منطقه ای موثر و همه جانبه دوام نخواهد داشت. خوشبختانه مشارکت موثر کشورمان در روند تحولات مهم همسایه شرقی برگ مهمی در تاریخ روابط خارجی ما با افغانستان و تمامی منطقه به شمار می رود. نقش مثبت و موثر ایران در تحولات افغانستان نشان داد که ایران اسلامی از روابط غیراصولی و بدون هدف دوران قاجار دست شسته و می کوشد، به جای سرریز مسائل خود در حوزه سیاست داخلی به آن سوی مرزها، ظرفیت های مثبت، سازنده و وسیع خود را در قبال افغانستان بازتعریف و اجرا کند.

اجلاس لندن:

اجلاس لندن در دوم فوریه سال جاری میلادی (۲۰۰۶- دی ماه ۸۴) با هدف نمایش عزم بین المللی و اطمینان از تداوم صلح و ثبات در افغانستان برگزار شد. ارزیابی اوضاع و نقش بازیگران موثر در صحنه افغانستان و پیدا کردن راه های موثر برای مبارزه با مواد مخدر و تروریسم و اطمینان دادن به دولت نوپای کابل و مردم این کشور از ادامه حمایت جامعه بین الملل از دیگر هدف های برگزار کنندگان این اجلاس بود. همچنین اجلاس، چارچوب مشخصی را برای نقش جامعه بین الملل در پنج سال آینده برای این کشور تدارک دید. ایجاد فرصت برای دولت افغانستان در معرفی راهبرد توسعه ملی نیز در دستور کار کنفرانس قرار داشت. این استراتژی بر تعیین اولویت های دولت، شامل تسریع در توسعه و پیشرفت، افزایش ضریب امنیت، تقویت حکومت و از بین بردن تجارت مواد مخدر تأکید می کند. هر چند اختلاف نظر مشخصی میان رهبران سازمان ملل و گروه آمریکا و انگلیس در قبال شناسایی و اولویت معضلات افغانستان وجود داشت، ولی همگان بر این نظر بودند که حمایت بین المللی از دولت و نهادهای تشکیل شده پس از کنفرانس بن باید تداوم یابد.

در کنفرانس شخصیت های بین المللی به طرح دیدگاه های خود در باره بازسازی افغانستان پرداختند. تونی بلر نخست وزیر انگلیس دو مانع اصلی در راه بازسازی افغانستان را قاچاق مواد مخدر و تروریسم

بدون مشارکت و کمک برای ایجاد یک دولت مرکزی قوی، متعهد و پاسخگو، تصور فائق آمدن بر مشکلات ایجاد شده از ناحیه این کشور کاملاً مردود است

ایران، تحکیم دوستی دو ملت و نیز احیای روابط تاریخی و همسایگی دو کشور برداشته شود.

در بهمن ۸۲ شاهد تصویب قانون اساسی جدید و تشکیل اولین دولت اسلامی در کابل بودیم.

اجلاس برلین در مارس ۲۰۰۴ اجلاس سومی بود که با هدف ارزیابی تلاش های صورت گرفته برای اطمینان از تداوم خواست بین المللی در جهت ثبات دولت موقت کابل و تأکید بر تداوم مشارکت در دولت سازی و نهادهای مربوطه تشکیل شد. کشورمان نیز همچون نشست های قبلی حضور فعال و موثر خود را در روند فوق با ارائه پیشنهادها و ایده های جدید به اثبات رساند. در همین اجلاس جامعه جهانی بودجه ای ۸۷ میلیارد دلاری را برای یک دوره سه ساله افغانستان اختصاص داد. در این اجلاس، گام مهمی در جهت تسریع در بازسازی افغانستان برداشته شد. در این اجلاس، گام مهمی در جهت تسریع در بازسازی افغانستان برداشته شد. در این اجلاس، گام مهمی در جهت تسریع در بازسازی افغانستان برداشته شد.

در انتخابات مجلس ملی نیز یونس قانونی تاجیک به عنوان اولین رئیس مجلس ملی افغانستان انتخاب شد. موضوع در خور توجه در این میان عملیات مستمر و بی وقفه گروه های وابسته به طالبان و القاعده با هدف اختلال در هر دو انتخابات بود که هیچکدام نتوانست بر

در کنفرانس چارچوب تشکیل یک دولت موقت در افغانستان تعریف شد و سرآغاز زندگی جدیدی در حیات سیاسی افغانستان قرار گرفت. حامد کرزای، یک بوروکرات و تاجر، که در مبارزات میدانی علیه طالبان در مناطق شرق و جنوب این کشور بسیار کوشیده بود، به عنوان اولین رییس دولت موقت در کابل منصوب شد. اگر تا آن زمان افغانستان به دلیل انزوای جغرافیایی، خود را ناتوان از برقراری ارتباطات مناسب و گسترده با جهان خارج می دید، حامد کرزای معاون پیشین وزارت امور خارجه افغانستان، می توانست این ضعف را به نقطه قوت تبدیل کند و از آن برای تجدید حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان بهره گیرد. وی اقوام و گروه ها را یکبار دیگر دور هم گرد آورد و نوید تشکیل دولت مورد حمایت اکثریت را داد. بدین ترتیب نخستین دولت موقت اسلامی در کابل بر اساس معماری صورت گرفته در کنفرانس بن، که کشورمان نقش مهمی در آن ایفا نمود، موجودیت خود را اعلام کرد. نخبگان و شخصیت های افغان نیز با رای خود به صلح و ثبات، بازسازی و لزوم پایان جنگ و احیای ملت افغانستان مهر تأیید زدند.

آشنایان با مسائل افغانستان به خوبی واقفند که آشتی اقوام و گروه ها در آن کشور پیش نیاز هر اقدام بعدی و تحقق و موفقیت برنامه ها و هدف ها برای اصلاح امور و پیشرفت کشور است.

ساقط کردن طالبان، گروهی که یکسره با برقراری دولت مشروط و هر گونه نظم و نهاد قانونی بیگانه و با نادیده گرفتن منافع ملی افغانستان، به ابزار و اهرم دست دیگران در منطقه تبدیل شده بود، گامی مهم در اتحاد ملی و قومی و مذهبی این سرزمین کهن در مسیر توسعه و پیشرفت به شمار می رفت.

در پی این تحولات رقابت طبیعی کشورها با انگیزه های مختلف و بعضاً متعارض نیز در چارچوب بازسازی افغانستان آغاز گردید.

گام بعدی تشکیل کنفرانس اقتصادی تکیو در ژانویه سال ۲۰۰۲ از سوی جامعه بین الملل بود تا عزم و تعهدات مالی و پولی جامعه جهانی در قبال افغانستان به محک گذاشته شود. تعیین برنامه و الویت دادن به برنامه های پنج سال آینده اقتصادی و مالی از جمله هدف های جامعه جهانی در برگزاری این کنفرانس بود. اهمیت روابط گسترده تاریخی و فرهنگی کشورمان با افغانستان ایجاب می کرد تا با دوراندیشی و اختصاص ۵۶۰ میلیون دلار کمک بلاعوض برای پنج سال و در قالب اجرای پروژه های مورد نیاز افغانستان گام مهمی برای تأمین آرامش در افغانستان و بالمآل آرامش در مرزهای شرقی

دانست. کوفی عنان، دبیر کل سازمان ملل متحد، ناامنی را مشکل نخست بر سر راه بازسازی افغانستان اعلام کرد. وزیر کمک های عمرانی آلمان نیز تاکید کرد که سرمایه گذاری در بازسازی افغانستان کم هزینه تر از جنگ است، زیرا جنگ موجودیت همه را تهدید می کند. در خور توجه تر از همه این گفته حامد کرزای بود که دستاورد مهم تحولات اخیر در افغانستان را دست نداشتن سطوح حکومتی در فعالیت های تروریستی دانست!

ایران - افغانستان و مناسبات جدید:

شروع مشارکت و حضور ایران در بازسازی افغانستان با ساخت جاده مهم و استراتژیک دوغارون - هرات در مرز شمال شرقی کشور همراه بود. این جاده ۱۲۳ کیلومتری در سال ۱۳۸۳ توسط روسای جمهور دو کشور افتتاح شد. پروژه برق ۱۳۲ کیلومتری دوغارون - هرات که بعداً شامل روستاهای مسیر نیز شد، در همین زمان به اتمام رسید. احداث جاده ۶۳ کیلومتری هرات - ازملک در شمال افغانستان، که تکمیل کننده مسیر جنوب ایران و آسیای مرکزی است، نیز به زودی پایان می یابد و بهره گیری از آن آغاز می شود.

ساخت و افتتاح پل مهم

میلک (ابریشم) بر روی رودخانه هیرمند در جنوب مرزهای دو کشور جنوب پشتون نشین در افغانستان را از حصار تاریخی آن خارج می کند. از همین رو گام مهمی در اتصال جنوب این کشور به آبهای گرم خلیج فارس و دریای عمان به شمار می رود. بهره برداری از پل میلک، که در توسعه محور شرق کشور اهمیت استراتژیک دارد، به دادوستد منطقه رونق می بخشد، و نقش مهمی در تقویت اعتماد و دوستی تاریخی دو ملت ایفا خواهد کرد.

همکاری کشورمان در تمامی حوزه های مورد نیاز افغانستان از جمله کمک به مدیریت و تحقیقات منابع آب و محیط زیست، ایجاد مراکز آموزش فنی و حرفه ای و نیز آموزش مخابرات و تلفن، راه اندازی مراکز مکانیزه برق و اجرای پروژه فیبر نوری هرات - دوغارون، اجرای طرح های آمارگیری، تأسیس مراکز پیشرفته گمرکی،

احداث ده ها مدرسه و کلینک درمانی و توان بخشی و مراکز پیشرفته پزشکی در بیمارستان ها و مراکز فرهنگی و کتابخانه و پارک در همه مناطق افغانستان و در مجموع اجرای طرح هایی که شمارشان افزون بر ۳۶۰ پروژه است، گویای نقش سازنده جمهوری اسلامی ایران در کمک به همسایه شرقی و حوزه مشترک تاریخی و فرهنگی منطقه جنوب غربی آسیاست.

ترانزیت کالا میان ایران و افغانستان

در حال حاضر و براساس آمار تقریبی بیش از دو میلیارد دلار حاصل ترانزیت کالا از کشورمان تا پایان سال ۸۳ می باشد (سایت کریدور شمال جنوب) که برای سال ۸۴ این رقم سه میلیارد دلار برآورد شده است.

براساس همین اخبار، درآمد حاصل از این مقدار ترانزیت کالا تا پایان سال ۸۳ رقم چشم گیر و نزدیک به ۵۸ میلیون دلار بین دو کشور را نشان می دهد که باعث ایجاد فرصت های شغلی تا ۲۰۷ هزار نفر در کشور شده است.

براساس گزارش های رسمی در نه ماهه سال جاری بالغ بر هفت میلیون و ۷۰۰ هزار تن کالا از کشور ترانزیت شده که نسبت به مدت مشابه قبل ۳۰٪ رشد داشته است. از این میزان ۲۴ درصد از طریق مرز دوغارون به افغانستان می باشد.

همچنین صادرات از مرزهای جاده ای بالغ بر ۱۳۰ میلیون تن در نه ماهه اول سال جاری بوده است. که سهم مرز دوغارون ۲۴ درصد از کل صادرات جاده ای بوده که رتبه اول را در بین مرزهای جاده ای احراز کرده

است. این افزایش رقم

ترانزیت حاصل تسهیل رفت و آمد از طریق جاده احداث شده دوغارون - هرات می باشد (گزارش وزارت راه و ترابری، دفتر ترانزیت و پایانه های مرزی).

در این حال عبور کامیون های حامل کالا (صادرات و ترانزیت) از دو مرز سرخس (از طریق ترکمنستان) و میلک در مرز افغانستان که تا قبل از سال ۱۳۸۴ رقم اندک و

صفر را نشان می داد، به رقم ۲۹ هزار و ۱۰۶ برای سرخس و ۹۹ هزار و ۸۲۶ برای میلک فقط در شش ماهه اول سال ۸۴ رسیده است.

دستاورد ها

پس از ورود فعالانه جمهوری اسلامی ایران به صحنه افغانستان که جریان بازسازی این کشور بستر اصلی فعالیت ها تعریف شده است، به تدریج این سنوآل مطرح شد که در مقابل هزینه های مالی، فنی و سیاسی صورت گرفته، حاصل اتخاذ سیاست های مذکور برای کشورمان چه بوده است؟ در حقیقت این سوال در کنار چرایی مصالحه و یا اغماض در قبال حضور نیروهای آمریکایی و دیگر نیروهای خارجی در افغانستان از سوی کشورمان ذهن صاحب نظران تحولات صورت گرفته را بیش از پیش به خود مشغول ساخته است. از همین رو

با آغاز فصل جدید زندگی در افغانستان که مردم آن نزدیک به ۳۰ سال جنگ و ناامنی را تجربه کرده اند، زیر ساخت های کشورشان از دست رفته و ناامیدی و فقر در جای جای آن کشور لانه کرده است

مثبت و سازنده خواهد داشت. سیاست های اتخاذ شده نیز کاملاً به این هدف کمک کرده است.

بدون تردید امنیت و پیشرفت در منطقه در گرو امنیت و پیشرفت در افغانستان است. طبیعی است که هزینه های لازم در این زمینه را نیز باید کشورهای ذینفع در منطقه بپردازند. بدون مشارکت و کمک برای ایجاد یک دولت مرکزی قوی، متعهد به مسئولیت های خود و پاسخگویی وضعیت داخلی افغانستان، تصور فائق آمدن بر مشکلات ایجاد شده از ناحیه این کشور کاملاً مردود است. در واقع احیای یک افغانستان آزاد و آباد، یک فرصت تاریخی است که به بازگشت ثبات و امنیت در سراسر منطقه کمک می کند.

در مجموع در اوضاع کنونی و با آغاز فصل جدید زندگی در افغانستان که مردم آن نزدیک به ۳۰ سال جنگ و ناامنی را تجربه کرده اند، زیر ساخت های کشورشان از دست رفته و ناامیدی و فقر در جای جای آن کشور لانه کرده است، حضور مثبت و موثر کشورمان در روند بازسازی آن کشور نقش بسزایی در تحکیم و اعتمادسازی میان دو کشور دارد.

پذیرایی از حدود ۳ میلیون جمعیت مهاجر افغانی در شهرها و مناطق مختلف کشورمان در طی حدود سه دهه راهی جز برقراری رابطه ای همه جانبه و دوستانه را برای دو کشور باقی نگذاشته است. نکته ای که خوشبختانه هر دو کشور نیز خود را متعهد به آن می دانند.

دوراندیشی و موفقیت در پیمودن این راه برگ زرین و افتخارآمیزی است در تاریخ روابط خارجی

کشورمان خواهد بود. از یاد نباید برد که حضور نیروهای بیگانه در منطقه، هر چند بسیار پر هزینه، اما امری موقتی است. باید بیش از پیش به بیوندهای دیرپا و ماندگار تاریخی و فرهنگی میان ایران و افغانستان اندیشید.

امروز روابط دو کشور ایران و افغانستان تنها به روابط و رفت و آمدهای معمول و مرسوم مقامات رسمی و شخصیت های سیاسی محدود نمی شود. روابط دو کشور با ورود جمهوری اسلامی ایران به صحنه بازسازی افغانستان به روابطی همه گیر و همه جانبه در همه ابعاد تبدیل شده است. ●

مهاجران با رونق اقتصادی و ثبات سیاسی در آن کشور پیوند مستقیم دارد و بروز هر گونه نابسامانی و ناامنی این روند را مختل می کند.

توسعه محور شرق: تنها منطقه کشور که از توسعه لازم برخوردار نشده و مورد توجه سیستم حمل و نقل ریلی نبوده، جنوب شرق ایران و استان سیستان و بلوچستان است.

احداث جاده ۶۳ کیلومتری هرات - ارملک در شمال افغانستان، که تکمیل کننده مسیر جنوب ایران و آسیای مرکزی است، نیز به زودی پایان می یابد



ظرفیت سازی های مناسب صورت گرفته در بندر چابهار، احداث پل میلک روی رودخانه هیرمند، تصویب پروژه احداث راه آهن چابهار - زاهدان تا پایان سال ۱۳۸۵ و پیش بینی اجرای سایر طرح های عمرانی و ملی در این منطقه حاصل تحولات مثبت چند ساله اخیر در افغانستان، روابط میان دو کشور و به تبع آن ایجاد انگیزه ها و فضای مناسب و لازم برای پیشبرد امور و توسعه منطقه است.

ثبات در منطقه: بسیار مهم است که افغانستان حلقه ترانزیت منطقه را کامل و نقش طبیعی و تاریخی خود را احیاء کند. تحقق این امر برای همه کشورهای منطقه نتایج

ضروری است دستاوردهای کشورمان به درستی و جامع مورد توجه بیشتر و آکاوی قرار گیرد.

افغانستان کشوری مسلمان است و به لحاظ فرهنگی، مذهبی و نژادی بیشترین نزدیکی را با ایران دارد. جمعیت نزدیک به ۳۰ میلیون نفر و نیروی کار جوان ۱۵ میلیون نفری، رشد اقتصادی ۸ درصدی، موقعیت کم نظیر ترانزیتی، منابع آب، منابع معدنی و کشاورزی همگی از ویژگی های مثبت این کشور برای همکاری خیر می دهند. دستاوردهای همکاری گسترده میان ایران و افغانستان را می توان چنین برشمرد:

تحکیم اعتماد: اولین و مهم ترین دست آورد در چند سال اخیر را می توان تحکیم اعتماد ملی میان دو کشور دانست که به جهت تاریخی و بر اثر تحولات مختلف دچار نقصان شده بود.

کاهش و رفع معضلات: اگر افغانستان در مرزهای شرق کشور منشأ و منبع مواد مخدر، جنایات سازمان یافته و تروریسم، قاچاق سوخت، کالا، انسان و اعزام آوارگان بی پناه برای کشورمان شده است، رفع این معضلات بدون آرامش و امنیت، توسعه و فعالیت

اقتصادی در این کشور و کمک و همیاری جامعه بین الملل و تمامی کشورهای منطقه امکان پذیر نیست. کماینکه اخراج اشغالگران روس در دوره اشغال افغانستان بدون مشارکت جامعه بین الملل و کشورهای منطقه امکان پذیر نشد.

کاهش جرایم: رونق اقتصادی، عمران و بازسازی در خطوط مرزی، به کاهش جرم و پرداختن مردم افغانستان به امور عادی معیشتی کمک شایان توجهی خواهد کرد.

افزایش چشمگیر صادرات و داد و ستد بازرگانی: حجم صادرات قانونی کشورمان به افغانستان بعد از تشکیل دولت موقت و ایجاد ثبات نسبی در این کشور تاکنون به بیش از ۳۰۰ میلیون دلار رسیده است. به این رقم باید درآمد حاصل از ترانزیت حدود ۲ میلیارد دلار کالا از بنادر جنوبی کشور را اضافه کرد.

بازگشت مهاجران: تاکنون حدود یک میلیون مهاجر افغانی به کشور خود بازگشته اند و همین امر از مشکلات بسیاری در کشورمان کاسته است. طبعاً ادامه بازگشت